

### متن پرسش

سلام و عرض ادب خدمت استاد بزرگوار: من مباحث ده نکته رو دنبال کردم و روی اونها فکر هم داشتم و تجرد نفس رو تا حدودی متوجه هستم. مخصوصا رویای صادقیه هیچ توجیهی نداره به جز مجرد و فرازمان و مکان بودن روح انسان. چند روز پیش اولین پیوند قلب خوک به انسان انجام شد و خبر خاصی هست. قبل تر از اون هم ایلان ماسک پروژه ی نورالینک رو استارت زده و مراحلش رو انجام داده، هنوز عملیاتی نشده اما خیلی دور نیست که اجرایی بشه. این تصور برای خیلیها بوجود اومده که انسان غربی به کمک تکنولوژی داره انسان رو به سمت نامیرایی پیش میبره، اینکه انسان بر تمام دردها و بیماریها و نقصهای جسم پیروز میشه و عمر همیشگی پیدا میکنه. من متوجه این قضیه هستم که روح متفاوت از مغزه و متفاوت از قلب و حقیقتی ورای اینهاست اما همه ی جامعه توان فهم این موضوع رو ندارن و خود ما هم گاهی دچار سوال میشیم. ۱. اینکه مسیر غرب در پزشکی تا کجا پیش خواهد رفت؟ ۲. اگر قلب تعویض بشه، مغز کنترل بشه، سایر اعضا ترمیم یا تعویض بشه، خب طبیعتا عمرها طولانی میشه آیا این شدنیه و یا موانعی متفاوت از بیماری بر سر راه نامیراییست؟ ۳. آیا انسان به سمت نامیرا شدن پیش می‌رود؟! سیر بشریت و تکنولوژی به گونه ای هست که من خودم نمی‌تونم بگم صد سال دیگه این اتفاقات نخواهد افتاد و گوشه ی دلمان خالی می‌شود، خدا تا کجا به انسان قدرت تغییر و دستکاری در انسان را می‌دهد؟

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! پزشکی جدید در مسیر آزمون و خطا و آزمایش‌هایی که روی بدن انسان‌ها انجام می‌دهد، تلاش‌های خوبی دارد. ولی جایگاه روح و نفس انسان، ماورای حضور آن در بدن است و لذا بعد از مدتی که بالقوه‌های آن به فعلیت رسید، بدن را ترک می‌کند هرچند که آن بدن سالم باشد. بحث در سلامت بدن نیست، بحث در انصراف روح است از بدن که بالاخره یا با ایستادن قلب، آن انصراف برای ما مشخص می‌شود و یا به اصطلاح با سکتة مغزی آن مرگ پیش می‌آید.

موفق باشید